



روش تربیتی الگویی در اندیشه‌های حدیثی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (با تأکید بر نهج‌البلاغه) *

حسن حسن‌زاده ^۱ و زهرا سادات کبیری ^۲



چکیده

تربیت، به معنای فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل شکوفایی استعدادها و خدادادی انسان برای دستیابی به قرب الهی است. یکی از روش‌های مهم و تأثیرگذار در تربیت، روش الگویی است. این روش در اندیشه‌های حدیثی-تربیتی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. روش الگویی به معنای ارائه نمونه‌های عینی و عملی برای الگوبرداری است. در این روش، مربی تلاش می‌کند تا با نمایش رفتار و کردار مطلوب در عمل و گفتار، شرایط لازم برای الگوبرداری متربی را فراهم کند. نگرش به اندیشه‌های حدیثی رهبر معظم انقلاب نشان می‌دهد که در سیره تربیتی فردی و اجتماعی ایشان، روش الگویی به سه گونه الگودهی، الگوپردازی، و الگوزدایی به کار برده شده است. هر کدام از این سه گونه، به دو شیوه مستقیم و غیر مستقیم اعمال می‌شود. الگوهای مثبت معرفی شده توسط حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به دو دسته معصوم و غیر معصوم تقسیم می‌شوند. از جمله الگوهای معصوم می‌توان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام اشاره کرد، و از الگوهای غیر معصوم می‌توان به امام خمینی، آیت‌الله مصباح یزدی و شهید سلیمانی اشاره نمود. همچنین، رهبر انقلاب از معرفی الگوهای منفی و ضد دینی نیز غافل نبوده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به استکبار جهانی، آمریکا و پهلوی اشاره کرد. این مقاله بر اساس روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و داده‌های الکترونیکی نگاشته شده است. از نگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، الگوهای تربیتی مثبت دارای خصوصیات ویژه‌ای مانند ایمان و آگاهی، بصیرت و یقین، مطابقت گفتار و رفتار، مرزبندی با دشمن، ساده‌زیستی و قناعت هستند. در مقابل، الگوهای تربیتی منفی نیز ویژگی‌هایی چون نفاق و کفر، استکبار و خودبرتربینی، دروغ‌گویی و حيله‌گری، بدعت‌گذاری و پیمان‌شکنی دارند.

واژگان کلیدی: اندیشه‌های حدیثی، آیت‌الله خامنه‌ای، تربیت دینی، روش تربیت الگویی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶.

۱. عضو هیات علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، ایران، (نویسنده مسئول)، h.hasanzadeh@iau-tnb.ac.ir.

۲. عضو هیات علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، ایران، z.kabiri@iau-tnb.ac.ir.



مقدمه

هدف از خلقت انسان رسیدن به کمال و سعادت است، که از طریق تربیت صحیح میسر می‌شود و در این راستا الگویی از دیگران و قرار دادن آنها به عنوان اسوه، نقش مهمی ایفا می‌کند. الگوها می‌توانند دارای خصوصیات متفاوتی باشند و با توجه به جایگاه نهج البلاغه و کلام امام علی (علیه السلام)، شناخت و تبیین اندیشه‌های حدیثی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، به عنوان عالمی برجسته که مسئولیت زعامت و حکومت را نیز بر عهده داشته‌اند و به مسائل تربیت دینی از منظر فردی و اجتماعی پرداخته‌اند، اهمیت ویژه‌ای دارد. روش تحقیق این پژوهش توصیفی-تحلیلی و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و داده‌های الکترونیکی است.

در زمینه تربیت الگویی در اندیشه‌های حدیثی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، هیچ تحقیق مستقلی به صورت کتاب، مقاله یا پایان‌نامه انجام نشده است. اما تحقیقات زیادی در زمینه‌های مرتبط با تربیت در اسلام، روش‌های تربیتی، مبانی و اصول تربیتی، الگوسازی و الگوپذیری انجام شده است. برخی از این تحقیقات به شرح زیر هستند: اصول و روش‌های تربیتی در اسلام، سید احمد احمدی؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، خسرو باقری؛ اسلام و تعلیم و تربیت، ابراهیم امینی؛ سیری در تربیت اسلامی، مصطفی دلشاد تهرانی؛ آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، محمد بهشتی، مهدی ابوجعفری، علی نقی فقیهی؛ در آمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، زیر نظر علیرضا اعرافی، همکاران: محمد بهشتی، علی نقی فقیهی، مهدی ابوجعفری؛ تعلیم و تربیت در نهج البلاغه، عبدالمجید زهدات؛ اندیشه‌های سیاسی-تربیتی علوی در نامه‌های نهج البلاغه، احمد بهشتی؛ تربیت الگومدار از منظر امام علی (علیه السلام)، حسن حسن‌زاده؛ تربیت دینی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، مهدی ابوطالبی؛ روش الگویی در تربیت اسلامی، محمدرضا قائمی مقدم؛ تربیت اسلامی، صادق زاده قمصری، علیرضا حاجی ده‌آبادی؛ روش تربیتی الگومدار از منظر امام علی (علیه السلام)، حسن حسن‌زاده؛ تقلید از الگوها و آسیب‌شناسی و راه‌کارهای آسیب‌زدایی، حسین مهدی‌زاده.

الف. مفهوم‌شناسی

بدون تردید، توضیح و تحلیل مفاهیم کاربردی در هر پژوهشی برای ایجاد درک مشترک بین نویسنده و مطالعه‌کنندگان ضروری است. بنابراین، مفاهیم مهم در این بخش به شرح زیر است:

الگو: در تعریف الگو آمده است: «آنچه بیش از همه در زبان روان‌شناسان و جامعه‌شناسان علم تبلیغ و ارتباطات جاری است و در کتب و منابع علوم روان‌شناسی و دانش‌های اجتماعی نیز جایگاه

ویژه‌ای دارد، واژه «الگو» است که دارای مفهومی گسترده می‌باشد. الگوبه طرح‌ها و برنامه‌های گوناگون، اعم از تربیتی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اطلاق می‌شود و همچنین به نمونه‌های عینی و خارجی یک طرح علمی، اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و مذهبی نیز اطلاق می‌گردد» (عباسی مقدم، ۱۳۷۱: ۲۲/۱).

در لغت، الگوبه معنای روبرو، مدل، سرمشق، مقتدا، اسوه، قدوه، مثال و نمونه آمده است (دهخدا، ۱۳۵۲: ۷۷/۹). الگو عبارت است از «قاعده و دستوری مجسم ولی غیر مستقیم که آدمی آگاهانه یا ناخودآگاه از آن تقلید یا به آن تأسی می‌کند» (قائمی، ۱۳۷۴: ۱۹۲). در نتیجه، «مراد از الگو کسی است که بتواند به عنوان سمبل و نمونه‌ای جهت هدایت سایر انسان‌ها به کمال و سعادت واقعی قرار گیرد. فردی که واجد کمالات و ارزش‌های انسانی بوده و صلاحیت شأیت الگو شدن را داشته باشد، و از بند عادت‌ها و رسوم غلط و خرافی رهیده و اعمال و سلوک او مورد تأیید عقل سلیم قرار گرفته باشد» (کریمیان، ۱۳۸۰: ۱۰/۱).

الگو در زبان فارسی، مترادف با اسوه در عربی است. ابن فارس در مقاییس اللغة، گوهر معنایی اسوه را مداوا و اصلاح کردن می‌داند و بیان می‌کند که وقتی گفته می‌شود «لی فی فلان اسوة»، یعنی «به او اقتدا می‌کنم» و از آنجا که این اقتدا برای اصلاح انجام می‌شود، واژه اسوه استفاده شده است. بنابراین، اقتدایی که برای انجام اصلاح و مداوا و بهتر شدن باشد با لفظ اسوه بیان می‌شود (ابن فارس، ۱۴۲۰: ۱۰۵/۱). در مفردات راغب اصفهانی نیز آمده است: «اسوة و اسوه به معنای چیزی است که انسان در نیکی و بدی از آن پیروی می‌کند، چه در شادمانی یا در زیان‌مندی، به خاطر همین خداوند فرموده است: «اسوة حسنه»، یعنی به صفت نیکو وصف کرده است» (راغب اصفهانی، بی‌تا، ۷۵/۱).

اندیشمندان تعاریف گوناگونی از اسوه بیان کرده‌اند، از جمله: «اسوه عبارت از حالتی است که انسان به هنگام پیروی از غیر خود پیدا می‌کند و برحسب اینکه پیروی از چه کسی باشد، ممکن است اسوه‌ای نیک یا بد، برای انسان فراهم آید» (باقری، ۱۳۹۰: ۱۴۳/۲۶) یا «اسوه یعنی چیزی که باید بدان تأسی جست و مانند آن عمل کرد، مانند خوی و صفات نیکی که در رسول خدا ﷺ بود» (شرفی، ۱۳۷۹: ۱۵۰/۱).

تربیت: لغت‌شناسان برای تربیت، ریشه‌ها و معانی مختلفی ذکر کرده‌اند. ابن فارس در معجم مقاییس اللغة ذیل «ربیء» چنین می‌آورد: «الراء و الباء و الحرف المعتل و کنلک المهموز منه یدل علی اصل واحد، و هو الزیادة و التماء و العلو» (ابن فارس، ۱۴۲۰: ۴۸۳/۲). از ریشه «رب» به معنای زیادت و فزونی و رشد و برآمدن اخذ شده است؛ و استعمال‌های مختلف، همه دارای این گوهر معنایی



می‌باشند. به عنوان نمونه، «رَبُّو» نفس عمیق و بلند است که سبب برآمدن سینه است. «رَبُّو» به معنای سرزمین بلند است و «رَبُّا» یعنی افزون شدن و نمو کردن که در اصطلاح شرعی به افزون شدن سرمایه با غیر از سود شرعی اطلاق می‌شود. سایر کاربردها نیز به همین صورت است.

«رَبُّ» به معنای مالک، خالق، صاحب، مدبّر، مربی، قیّم، سرور، منعم است و مصلح هر چیزی را «رَبُّ» گویند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷: ۲۲/۱۰ و ۲۳). راغب اصفهانی نیز در کتاب خود چنین می‌آورد: «الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ التَّرْبِيَةُ وَهُوَ: انْشَاءُ الشَّيْءِ حَالًا فَحَالًا أَلِيَّ حِدَالِ التَّمَامِ» (الراغب الاصفهانی، بی‌تا، ۱۸۴). با این تعبیر باید آنچه مانع شکوفایی استعدادهاى انسان است رفع کرد و زمینه‌های مساعد را فراهم ساخت تا استعدادهاى انسان به فعلیت رسد و انسان متصف به صفات و کمالات الهی شود؛ و این تحول به اهتمام و کوشش خود انسان میسر می‌شود. بدین ترتیب، تربیت با رفع موانع و ایجاد مقتضیات شکل می‌گیرد (دلشاد تهرانی، پیشین: ص ۲۴ و ۲۵).

در مجموع، می‌توان تعریف جامعی از تربیت ارائه داد: «تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعدادهاى انسان در جهت رسیدن به کمال مطلوب» (عباسی مقدم، پیشین: ص ۳۱).

روش الگویی: روش الگویی، روشی است که اساس آن بر محور الگودهی و ارائه عینی و عملی بنا شده است. در این روش، مربی تلاش می‌کند نمونه و رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید مرتبی قرار دهد تا شرایط لازم برای الگوبرداری و تقلید برای وی فراهم آید (قائمی مقدم، ۱۳۸۲: ص ۲۷۹).

در نتیجه، این روش بسیار سریع و تأثیرگذار در تربیت است، زیرا عینی، عملی، محسوس و قابل تقلید است.

ب. اهمیت روش الگویی

روش الگویی در تربیت اسلامی اهمیت فراوانی دارد. در قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم‌السلام)، این روش از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. قرآن کریم با ارائه نمونه‌های عملی مانند پیامبران، مؤمنان، صادقین و... از این روش استفاده کرده است.

امیرالمؤمنین امام علی (علیه‌السلام) نیز در کلام خود به طور گسترده از این روش بهره برده‌اند و نمونه‌های آن را می‌توان در عبارات نهج‌البلاغه یافت.

نکته بسیار ظریف و دقیقی که در این روش تربیتی وجود دارد این است که مربی به طور مستقیم به کار تربیتی نمی‌پردازد و کار تربیتی را به طور غیر مستقیم انجام می‌دهد. در نتیجه، بزرگ‌ترین فایده‌ای که در این روش به دست می‌آید، حفظ شخصیت مربی است. زیرا در این روش، مربی با مربی تماس مستقیم ندارد و این مربی است که خود را به مربی نزدیک می‌سازد (رشیدپور، ۱۳۸۹: ص ۵۵).

ضرورت ارائه الگو از این جهت است که اولاً، مربی رفتار اخلاقی را در عمل و با همه جزئیات آن مشاهده می‌کند و به همین سبب، نه تنها با خود رفتار، بلکه با شرایط تحقق آن و تأثیراتی که بر دیگران می‌گذارد و جایگاه آن در مقایسه با سایر رفتارها پی می‌برد؛ ثانیاً، مشاهده عمل صادر شده از الگو، امکان عملی شدن آن را به صورت عینی برای مربی اثبات می‌کند و این اهمیت دارد زیرا ممکن است در ابتدا انجام برخی رفتارها محال به نظر آید. ثالثاً، مشاهده رفتارهای اخلاقی الگو و زیبایی‌های آن موجب می‌شود در مربی گرایش و انگیزه برای اقدام به رفتارهای اخلاقی ایجاد و تقویت شود (داوری و حسین‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۶۲/۱).

اگر این امر به گونه‌ای معتدل و دور از حالت‌های افراطی صورت گیرد و شخص با استفاده از آن صفات و اخلاق خوب شخص مورد نظر را در خویش پیاده کند، آثار مفید و سودمندی خواهد داشت. این موضوع در روان‌شناسی به عنوان «مکانیسم‌های روانی» برای جبران نیازمندی‌های برآورده نشده روحی شمرده می‌شود و از آن به عنوان همانندسازی یاد می‌شود (لودین، ۱۳۸۲: ۶۱/۱).

در این زمینه، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرمایند: «نکته اساسی این است که عید گرفتن فقط جشن و ماندگاری و یادبود و مانند این چیزها نیست؛ عید گرفتن برای درس گرفتن است، برای الگو قرار دادن پیغمبر اکرم ﷺ است. ما به این احتیاج داریم؛ امروز بشر به این احتیاج دارد، امت اسلامی امروز به این احتیاج دارد؛ باید درس بگیریم. پس زنده نگه داشتن یاد مولود مبارک رسول اعظم ﷺ برای این است که ما به مضمون این آیه شریفه که فرمود: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» عمل کنیم. پیغمبر اکرم اسوه حسنه است؛ این را قرآن به صراحت می‌گوید. اسوه یعنی چه؟ یعنی یک الگویی است که ما باید از این الگو تبعیت کنیم؛ در قلّه‌ای قرار گرفته، ما باید از این حضيض به سمت آن قلّه پیش برویم و حرکت کنیم. بشر تا آنجا که می‌تواند باید حرکت کند به سمت آن قلّه؛ اسوه یعنی این» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۰۷/۲۲، بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی).



ج. گونه‌های تربیت گویی

تربیت گویی در اندیشه‌های حدیثی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را می‌توان به گونه‌های متفاوتی تقسیم‌بندی کرد، از جمله:

۱. الگودهی

مقصود از الگودهی ارائه الگوهای مثبت و حقیقی است، یعنی الگوهایی که در واقعیت تحقق یافته و قابل مشاهده‌اند. این روش تربیت گویی به دو صورت قابل اجرا است:
روش غیر مستقیم: در این روش، مربی با استفاده از صفات، خصوصیات و نشانه‌های الگوهای مثبت، سعی می‌کند متربی را به این الگوها نزدیک کند.

روش مستقیم: در این روش، مربی با امر مستقیم، متربی را به همراهی و مصاحبت با الگوهای مثبت سوق می‌دهد.

بدین ترتیب، برای استفاده از روش گویی در تربیت، باید تلاش کرد زمینه‌ای به طور طبیعی فراهم شود که متربی، از روی میل درونی و نیاز فطری برای تکمیل کاستی‌های خود، به همان الگوها گرایش یابد، به طور درونی و با انتخاب خود، نه اجباری. به عبارت دیگر، باید ترتیبی اتخاذ کرد که الگوهای مطلوب و مورد تأیید، به طور طبیعی محبوب متربی واقع شوند و او را از روی انگیزه درونی همانندسازی کند. در غیر این صورت، الگو دادن تصنعی می‌تواند مانع از الگو یافتن طبیعی شود (کریمی، ۱۳۷۶: ۱۵۱/۱ و ۱۵۲).

به عنوان نمونه، مقام معظم رهبری می‌فرماید:

روش غیر مستقیم: «قرآن چهار زن را نام برده که این چهار زن الگو هستند؛ دو الگوی نیکان عالم و دو الگوی بدان عالم. در نقطه مقابل، خدای متعال دو زن را به عنوان نمونه مؤمنان ذکر می‌کند: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةٌ فُزِعُونَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فُزْعُونَ وَعَمَلِيهِ»؛ یکی زن فرعون و دیگری، حضرت مریم: «وَمَرْيَمَ ابْنَتْ عِمْرَانَ». آن زن اول، قصر فرعونى او را مجذوب نکرد؛ زن پرورش‌یافته در بساط فرعونى، کسی که زن فرعون است و لابد پدر و مادر و خاندانش هم از همین طواغیت بودند، در نهایت راحت و نعمت و رفاه و عزت ظاهری بود و زندگی می‌کرد؛ اما ایمان موسی دل او را برد و تصرف کرد؛ به موسی ایمان آورد. وقتی ایمان آورد و راه را شناخت، همه آن راحت و رفاه را کنار گذاشت و دیگر آن قصر با عظمت در مقابل او جاذبه‌ای نداشت؛ گفت: «رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»؛ من خانه بهشتی را ترجیح می‌دهم؛ زندگی دنیا ارزشی ندارد. حضرت مریم هم: «وَمَرْيَمَ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا»؛ دامن خود را پاک و پاکیزه نگاه‌داشت؛ این‌ها ارزش‌های انسانی است.

این چهار زن فقط نمونه و نماد برای زنان نیستند، بلکه نمونه و نماد برای همه زنان و مردان هستند. آن دو زن با این که باب رحمت جلوی آنها باز بود، از آن استفاده نکردند و به معنویت به خاطر چیزهای پست و حقیر پشت کردند - عواملش را قرآن ذکر نکرده، حتماً چیزی است مانند اخلاق بد یا یک خصلت بد - و پشت به حق کردند و نماد کفار و ناسپاسان در مقابل خدا شدند. اما دو زن دیگر، نماد ارزش‌ها هستند. برای آنها جاذبه معنویت و جاذبه سخن حق آن قدر زیاد است که به همه بساط و دستگاه فرعون پست پا می‌زنند و این یکی هم پاکیزگی و پاکدامنی و وارستگی دارد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۵/۱۷، بیانات در دیدار جمعی از مداحان).

ترجمه: «خدا رحمت کند خباب بن الارت را؛ او با شوق مسلمان شد، با طوع و رغبت راه هجرت را پیش گرفت و زندگی را در جهاد سپری کرد. خوشا به حال کسی که به یاد معاد است و برای حساب قیامت کار می‌کند، قناعت به کفاف دارد و از خدا راضی است».

امام علی علیه السلام به این وسیله به الگوگیری غیرمستقیم پرداختند و با توصیف خصوصیات برجسته خباب بن الارت، همگان را به پیروی از این ویژگی‌ها دعوت کردند. با بیان صفات برجسته وی، حضرت به مؤمنان سفارش کردند تا از خباب در این صفات الگوبرداری کنند. روش مستقیم: در این زمینه، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید می‌کنند بر ضرورت نزدیک کردن کودکان به کتاب و فرهنگ مطالعه:

«باید پدرها و مادرها، بچه‌ها را از اول با کتاب محشور و مأنوس کنند. حتی بچه‌های کوچک باید با کتاب انس پیدا کنند. باید خرید کتاب، یکی از مخارج اصلی خانواده محسوب شود» (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۰۲/۲۶، مصاحبه در پایان بازدید از نمایشگاه کتاب).

ایشان همچنین می‌فرمایند: «اگر جمهوری اسلامی می‌خواهد پرچم اسلام را در دست بگیرد و به سعادت برسد، باید دنیا و آخرت خود را آباد کند، همچنان که قرآن به ما یاد می‌دهد که می‌توان دنیا و آخرت را با هم آباد کرد و باید این کار انجام بگیرد. باید انسان‌های شریف، دلنا، با استعدادها، جوشان، دارای ابتکار، دارای اخلاق نیک انسانی، شجاع، دارای قدرت خطرپذیری، ورود در میدان‌های جدید، بدون هیچ‌گونه عقده خودکم‌بینی یا خودبرتربینی، دلداده به خدای متعال و متکی به قدرت الهی، صبور، بردبار و خوش‌بین تربیت کنید. اسلام این ویژگی‌ها را به صورت بسته‌ای کامل در اختیار معتقدین خود قرار داده است. باید این بسته را باز کنیم، دانه‌دانه از این مواد استفاده کنیم و درون وجود خود ذخیره کنیم. خروجی آموزش و پرورش باید انسان‌هایی با این ویژگی‌ها باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۲/۱۴، بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور).



امام علی (علیه السلام) در راستای الگودهی مستقیم، اصحاب خود را به پیروی از هدایت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و همچنین سنت‌های ایشان دعوت کردند. به عبارت دیگر، حضرت به صورت مستقیم پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) را به عنوان الگو و هدایت و سنت ایشان را به عنوان الگو برای مسلمانان معرفی نمودند:

«و اقتدوا بهدی نبیکم فإِنَّهُ أَفْضَلُ الْهُدَى، وَ اسْتَوُوا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَى السُّنَنِ»

ترجمه: «به هدایت و سیره پیامبر خود اقتدا کنید، چرا که آن بهترین هدایت و سنت است».

۲. الگوپردازی

نوع دیگری از روش‌های تربیتی الگویی در اندیشه‌های حدیثی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، الگوپردازی است. در این روش، مربی الگوهای مطلوبی را در نظر گرفته، ویژگی‌های آن‌ها را بیان و توصیف می‌کند و زمینه را طوری فراهم می‌آورد که متربی را به تخیل و تجسم یک الگو بکشاند. مربی گاهی با روایت داستان‌ها و گاهی با بیان خصوصیات، علامات و نشانه‌ها به این هدف دست می‌یابد. هرچه مربی از مهارت و هنرمندی بیشتری برخوردار باشد، در پردازش الگوهای مطلوب موفق‌تر خواهد بود. شیرینی و جذابیت داستان‌ها و پیامدهای مطلوبی که به افعال و صفات قهرمان داستان مرتبط است، موجب می‌شود تا متربی حرکات خود را با قهرمان داستان هماهنگ کرده و از همان الگو پیروی کند (قائمی مقدم، پیشین، ص ۲۹).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ستایش ملت ایران و معرفی این امت به جهت الگوپردازی با به کار بردن صفت نیکوی بصیرت، می‌فرماید: «در دریای طوفانی منطقه و دنیا، ملت ایران در کشتی امن اهل بیت قرار گرفته است. ملت ایران با چشم باز و بصیرت، همه این اوضاع را زیر نظر داشته باشد و موضع خود را مستحکم نگه دارد و بداند در این دریای طوفانی این منطقه و این دنیا - این طوفان، امروز به اروپا هم رسیده است؛ فرانسه را ملاحظه کنید؛ کشورهای اروپایی هم اسیر طوفانند - در این طوفانی که دنیا و به‌ویژه منطقه را فراگرفته است، ملت ایران به برکت اسلام در کشتی امن محبت اهل بیت و اسلام قرار گرفته‌اند. این بصیرت را حفظ کنید، این روش را حفظ کنید، این مسیر را ان‌شاءالله با قدرت ادامه دهید؛ پیروزی متعلق به ملت ایران است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۰۹/۲۱، بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا).

امام علی (علیه السلام) در خطبه متقین، با توصیف جزء به جزء متقین، الگوی مناسب مسلمان را چنان ترسیم می‌کنند که انسان مؤمن هم مجذوب چنین الگویی می‌شود و هم تصویری کامل و صحیح از الگوی مناسب دریافت می‌کند. نشانه اثرگذار بودن چنین تصویرسازی در ارائه الگو را می‌توان در تأثیر کلام حضرت بر همام، که مخاطب این خطبه بود، مشاهده کرد. همام پس از شنیدن سخنان امیرالمؤمنین (علیه السلام) تحت تأثیر کلام حضرت قرار گرفت.

«فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ وَ مَلْبَسُهُمُ الْقِصَادُ وَ مَشِيئُهُمُ التَّوَّاضُعُ غَضُّوا أَبْصَارَهُمْ
عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» انسان‌های متقی همان‌هایی هستند که اهل انجام رفتارهای فضیلت‌آمیزند؛
گفتارشان درست و لباس پوشیدشان متعادل و راه رفتنشان متواضعانه است. ایشان چشمانشان را از آنچه
خداوند حرام نموده است، می‌بندند.

۳. الگوزدایی

شیوه دیگری که در اندیشه تربیتی قرآنی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به کار رفته است، الگوزدایی
است. در این روش، الگوها و شخصیت‌های منفی چنان نمایانگر می‌شوند که نوعی دلزدگی و نگرش
منفی در مرتبی نسبت به آن الگوها پدید آید. این نوع تربیت الگویی به دو صورت قابل اجرا است:
روش غیرمستقیم: مربی در قالب صفات، خصوصیات و نشانه‌های الگوهای منفی، سعی در دور
ساختن مرتبی از آن الگوها دارد.
روش مستقیم: مربی با نهی مستقیم، مرتبی را از همراهی و مصاحبت با الگوهای بد منع می‌کند.

روش غیرمستقیم

در این روش، الگوهای منفی و نامناسب به‌طور مستقیم معرفی نمی‌شوند، بلکه با ذکر خصوصیات،
صفات و نشانه‌های منفی آن‌ها به متریان ارائه می‌شوند تا از این طریق از آن الگوها دوری کنند. به‌عنوان
نمونه، زن نوح و زن لوط به‌عنوان الگوهای منفی معرفی شده‌اند و در غالب موارد، به ذکر خصوصیات
زشت و ناپسند آن‌ها پرداخته شده است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مورد عدم مطلوبیت ضرب به‌عنوان یک ویژگی نامطلوب در امر
تربیت می‌فرماید: «هر کدام از شما یقیناً تجربه‌های زیادی دارید از شاگردانی که شما تکریمشان
کرده‌اید و این کار جواب داده است؛ تربیت او را آسان‌تر کرده است. دشنام دادن، تحقیر کردن، حتی
زدن، خوب نیست - که حالا «الضرب لتأديب» جزو حرفه‌هایی است که از قدیم معروف و معمول هم
بوده، بعدها نشان دادند که نه، ضرب خوب نیست - بنده هم عقیده‌ام همین است. باید شاگرد را مثل
مومی در دست چرخاند و شکل داد؛ منتها با ملایمت. هنر معلمی این است. این هم یک بخش دیگر
از این قضیه ارزشی در باب معلم» (خامنه‌ای، ۸۷/۲/۱۲، بیانات در دیدار معلمان استان فارس).

یکی از الگوهای منفی که امام علی (علیه السلام) در کلام خویش با بیان صفات زشت او به‌طور غیرمستقیم
مخاطبان را از پیروی و مجذوب شدن به رفتارهایش منع کرده‌اند، معاویه است. امام علی (علیه السلام) با بیان
صفت واقعی معاویه، او را به‌عنوان فردی که نیرنگ می‌زند و ظلم می‌کند معرفی کرده‌اند. بدین ترتیب،



مخاطبان به‌طور غیرمستقیم از علاقه به معاویه دست کشیده و از پیروی او پرهیز خواهند کرد: «وَ اللَّهُ مَا مُعَاوِيَةُ بِأَذْهَىٰ مِنِّي وَ لَكِنَّهُ يُعَدِّرُ وَ يُفْجِرُ؛ قسم به خداوند، معاویه زیرکتر از من نیست، بلکه او نیرنگ می‌زند و ظلم می‌کند».

روش مستقیم

در این شیوه، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به‌طور مستقیم متربیان را از همراهی و مصاحبت با الگوهای بد و ناپسند منع می‌کنند. نهی مستقیم مسئولان از اشرافی‌گری توسط رهبر انقلاب به‌صورت زیر است: «بنابر این کسانی که مسئولیتی دارند در نظام جمهوری اسلامی، یکی از چیزهایی که باید واقعاً به آن اهتمام داشته باشند و لازمه تقوا است، این است که دنبال زندگی تجملاتی و تشریفاتی و مانند این‌ها نروند. زندگی معمولی داشته باشند، اسراف و مانند این‌ها نداشته باشند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۰۲/۲۴، بیانات در دیدار مسئولان نظام).

در جای دیگری، در مذمت رژیم پهلوی و خیانت‌های آن می‌فرمایند: «یکی از بزرگترین جرائم و گناهان رژیم محمدرضا پهلوی این بود که کشور را از لحاظ فنی، صنعتی و اقتصادی وابسته نگه داشت و وابسته‌تر کرد. سرنوشت یک کشور را در نانش، در گندمش، در سیلوی گندمش، در وسیله آرد کردن گندمش، در مواد غذایی و در همه چیزش، به خارج وابسته کرد! شما از این مواد غذایی و نان بگریزید، تا سایر چیزها، ایران به خارج از مرزها وابسته شد؛ به طوری که اگر یک وقت دشمنان اراده کنند، بتوانند این ملت را از همه چیز محروم کنند. کسی که این‌طور کشوری درست کند و اداره نماید و به این‌جا برساند، خیانتی مرتکب شده است که هیچ خیانت دیگری جز آن‌که در همین سطح باشد، با آن قابل مقایسه نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۰۲/۰۹، بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان).

امام علی (علیه السلام) در قسمتی از خطبه خود به مردم توصیه می‌کنند که تکبر را کنار بگذارند و تواضع را سرلوحه زندگی خود قرار دهند. زیرا تکبر مهم‌ترین وسیله شیطان برای فریب دادن انسان است و کنار گذاشتن تکبر می‌تواند انسان را از گمراهی حفظ کند. ایشان با ذکر نمونه‌ای از کسی که به‌خاطر تکبر مرتکب گناه بزرگی شد، یعنی قابیل که بر برادر خود هابیل تکبر کرد و او را کشت، می‌فرمایند: «لَا تَكُونُوا كَأُمْتِكَبْرِ عَلِيٍّ ابْنِ أُمِّهِ مِنْ غَيْرِ مَا فَضَّلَ جَعَلَهُ اللَّهُ فِيهِ؛ همانند آن متکبر (قابیل) که بر پسر مادرش (هابیل) تکبر کرد بدون اینکه فضیلتی بر او داشته باشد، نباشید».

د. الگوهای شاخص تربیت الگویی در اندیشه‌های حدیثی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

در اندیشه‌های حدیثی رهبر انقلاب، الگوهای شاخص به دو دسته معصوم و غیرمعصوم تقسیم می‌شوند. برای روشن تر شدن نقش تربیت الگویی، به برخی نمونه‌های به‌کاررفته در کلام ایشان پرداخته می‌شود.

۱. اقتدا به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

نقش الگوها در کلام ایشان بسیار چشمگیر است. در میان معصومین، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در این زمینه، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: «پس زنده نگه داشتن یاد مولود مبارک رسول اعظم صلی الله علیه و آله برای این است که ما به مضمون این آیه شریفه که فرمود: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» عمل کنیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اسوه حسنه است؛ این را قرآن به صراحت می‌گوید. اسوه بودن یعنی چه؟ یعنی یک الگویی است که ما باید از این الگو تبعیت کنیم» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۰۷/۲۲، بیانات در دیدار مسئولان نظام و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی).

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در توصیف دنیا و ارزش آن، پیامبران الهی را به‌عنوان الگو معرفی می‌کنند. ایشان ابتدا بیان می‌دارند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله الگویی کافی است برای پیروی و این نکته که خداوند با اینکه پیامبر اول و برترین مخلوق اوست، بیشترین بهره را از دنیا به او نرساند، نشان‌دهنده این است که دنیا نزد خداوند ارزشمند نبوده است. سپس از پیامبران دیگر مانند حضرت موسی علیه السلام، عیسی علیه السلام و داود علیه السلام نیز به‌عنوان الگو نام می‌برند (سید رضی، ۱۳۶۲: ۲۲۶): «وَلَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله كَافٍ لِمَنْ فِي الْأُسْوَةِ» قطعاً در رسول گرامی خداوند کفایت است برای اسوه بودن برای تو.

۲. الگوپذیری از اهل بیت علیهم السلام

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با استفاده از قرآن کریم و روایات، اهل بیت علیهم السلام را به‌عنوان الگوی کامل دیگری معرفی می‌کنند. ایشان به‌طور مستقیم مردم را به الگوگیری از اهل بیت دعوت می‌کنند و می‌فرمایند: «پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام بهترین پیشوایانند؛ سعی کنید آن‌ها را بشناسید و پیروی کنید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۰۹/۲۴، پاسخ رهبر انقلاب به نامه یک دختر نوجوان درباره ورود به عرصه تکلیف الهی).

این روش برگرفته از کلام امام علی علیه السلام در نهج البلاغه است. ایشان در خطبه‌ای مخاطبان را به پیروی از اهل بیت دعوت کرده و می‌فرماید: «انظروا اهل بیت تبييكم فالزموا سمعتهم و اتبعوا أثرهم فلن يخرجوكم من هدى ولن يعيدوكم في ردى؛ به اهل بیت پیامبر خود نگاه کنید، پس همان سمتی که آن‌ها هستند را دنبال کنید و جا پای آن‌ها نهدید، چرا که آن‌ها شما را از هدایت خارج نمی‌کنند و به گمراهی



برنمی‌گرداند» (سید رضی، ۱۳۶۲: ۱۴۳).

۳. الگوهای غیرمعصوم

در این دسته، می‌توان گفت آیت‌الله خامنه‌ای بر اساس اندیشه‌های حدیثی و روایی خود، علما، مؤمنین و مجاهدین در راه حق را به‌عنوان الگو معرفی می‌کنند. افراد شاخصی چون امام خمینی، شهید مطهری، علامه مصباح یزدی، شهید سلیمانی و... از جمله این افرادند.

به‌عنوان نمونه، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در توصیف مرحوم آقای مصباح یزدی می‌فرمایند: «مرحوم آقای مصباح (رضوان الله علیه) ویژگی‌های منحصر به فردی داشتند که در مجموعه فضایل برجسته‌اش، کسی مانند ایشان را نمی‌توانم پیدا کنم؛ علم فراوان، فکر خوب و نوآور، بیان رسا و واضح، انگیزه تمام‌نشدنی و بی‌ظنیر، خلیات و رفتارهای شایسته و برجسته، سلوک و معرفت و توجه معنوی؛ مجموع این‌ها در آقای مصباح جمع بود» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار خانواده آیت‌الله مصباح یزدی، ۱۴۰۱/۱۰/۵).

امام علی (علیه السلام) نیز از معرفی الگوهای غیرمعصوم برای مردم دریغ نکرده‌اند. ایشان برادر دینی‌ای که به دلیل کوچکی دنیا در چشمانش، در نظر امام بزرگ شده بود را به‌عنوان الگو برای مردم معرفی می‌کنند: «كَانَ لِي فِي مَا مَضَىٰ أَحْ فِي اللَّهِ وَ كَانَ يُعَظِّمُهُ فِي عَيْنِي صَغُرَ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ؛ برادری دینی در گذشته برای من بود که کوچکی دنیا در چشمان او، او را در چشمان من بزرگ کرده بود».

ه. خصوصیت‌های الگوهای مثبت و سازنده

در فرمایشات آیت‌الله خامنه‌ای، حجم قابل توجهی به ذکر خصوصیات الگوهای کامل و انسان‌ساز اختصاص یافته است. پرداختن به این ویژگی‌ها برای کسانی که مایلند در سایه تربیت دینی به کمال و سعادت ابدی دست یابند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۱. ایمان و آگاهی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر آیه ۲۵۸ سوره بقره چنین می‌فرمایند: «آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ...» پیامبران به آنچه بر آنان نازل شده، ایمان آورده‌اند و مانند رهبران سیاسی نیستند که به آنچه می‌گویند ایمان نداشته باشند. ایشان بحث خود را با مطرح کردن سه نوع ایمان دنبال می‌کنند: ایمان متعصبانه، ایمان مقلدانه و ایمان آگاهانه. تنها ایمان سعادت‌بخش و پایدار، «ایمان آگاهانه» است (خامنه‌ای، سخنرانی در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۵۳ در مسجد امام حسن (علیه السلام) مشهد).

امام علی (علیه السلام) برترین انسان‌های مومن، یعنی اولیای الهی را کسانی معرفی می‌کنند که در زندگی دنیا

با آگاهی کامل به آن نگاه می‌کنند. در حالی که مردم به ظاهر دنیا توجه دارند و خود را مشغول این دنیا می‌کنند، این افراد به باطن دنیا و زودگذر بودن آن توجه دارند و رفتار خود را بر اساس دنیای دیگر تنظیم می‌کنند. این افراد با چنین ایمان و آگاهی‌ای، سعادت اخروی خود را تأمین می‌نمایند.

«إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ هُمُ الَّذِينَ نَظَرُوا إِلَىٰ بَاطِنِ الدُّنْيَا إِذَا نَظَرَ النَّاسُ إِلَىٰ ظَاهِرِهَا وَاسْتَعْلَمُوا بِأَجْلِهَا إِذَا اسْتَعْلَلَ النَّاسُ بِعَاجِلِهَا» (سید رضی، ۱۳۶۲: ۵۵۲).

۲. بصیرت و یقین

رهبر معظم انقلاب به وجود بصیرت بسیار بالا در امام حسین علیه السلام اشاره کرده و از تبعیت امام خمینی از امام حسین علیه السلام در بصیرت و قدرت نفس سخن گفتند. ایشان تأکید کردند که عظمت روحی و بصیرت حاکم بر وجود امام خمینی، عامل استقامت و ادامه مبارزه با رژیم ستمشاهی بود (خامنه‌ای، سخنرانی در مراسم هفتمین سالگرد بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران در خرداد ماه ۷۵).

امام علی علیه السلام در توصیف دوست‌داشتنی‌ترین بندگان خداوند در نزد او، یکی از صفات بارز ایشان را یقین معرفی می‌کنند. ایشان بیان می‌دارند که این یقین همانند نور خورشید است و هیچ‌گونه ابهام و تاریکی در آن وجود ندارد. این افراد به مسیر هدایت‌شان یقین دارند و در نتیجه، خداوند را در بالاترین جایگاه‌های زندگی‌شان قرار داده‌اند.

«فَهُوَ مِنَ الْيَقِينِ عَلَىٰ مِثْلِ صَوِّ الشَّمْسِ قَدْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ فِي أَرْقَعِ الْأُمُورِ» (سید رضی، ۱۳۶۲: ۱۱۸).

۳. مطابقت گفتار و رفتار

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جمع ائمه جمعه در این باره چنین گفتند: «امام جمعه در روز جمعه مردم را امر به تقوا می‌کند با گفتار خود؛ من می‌گویم شما در روز شنبه و یکشنبه و دوشنبه و سه‌شنبه و چهارشنبه و پنج‌شنبه مردم را امر به تقوا کنید با رفتار خود. و الا اگر ما روز جمعه دعوت به تقوا کردیم اما روز شنبه عملی از ما سر زد که این با تقوا سازگار نیست، این اصلاً به کلی باطل می‌کند. یعنی نه حالا فقط باطل می‌کند، اصلاً، یک اثر به عکس دارد. مستمع را سر لج می‌آورد که چه دارند می‌گویند این‌ها. کمترین کاری که ممکن است بکند این است که دیگر نماز نیاید، این کمترین کاری است که می‌تواند بکند. از این بیشتر هم کارهایی می‌کنند. آمر به تقوا باید در امر تحصیل تقوا در خود کوشنده باشد» (خامنه‌ای، سالروز برگزاری اولین نماز جمعه پس از انقلاب اسلامی در پنجم مردادماه ۱۳۵۸،



اثنه جمعه سراسر کشور، ۰۵/۰۵/۱۴۰۱).

امام علی علیه السلام در توصیف آن برادر دینی که به عنوان الگو معرفی کردند، بیان داشتند که از صفات او این بود که همیشه همان چیزی را به زبان جاری می‌کرد که انجام می‌داد و آنچه را که انجام نمی‌داد، به زبان نمی‌آورد.

«كَانَ يَقُولُ مَا يَفْعَلُ وَلَا يَقُولُ مَا لَا يَفْعَلُ» (سید رضی، ۱۳۶۲: ۵۲۶).

در جای دیگری نیز ایشان درباره خودشان می‌فرمایند که ایشان نیز به هیچ طاعتی دعوت نمی‌کنند مگر اینکه خودشان در عمل به آن طاعت الهی از همه پیشی می‌گیرند و از هیچ حرامی مردم را نهی نمی‌کنند مگر اینکه خودشان اولین کسی هستند که آن حرام را ترک می‌کنند.

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْتَكُمُ عَلَى طَاعَةٍ إِلَّا وَأَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا وَلَا أَنهَاكُمُ عَنْ مَعْصِيَةٍ إِلَّا وَأَتَنَاهَا قَبْلَكُمْ عَنْهَا» (سید رضی، ۱۳۶۲: ۲۵۰).

۴. مرزبندی با دشمن

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های الگو از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، مرزبندی با دشمن است. به عنوان نمونه: «وظیفه‌ای که همیشه باید مورد نظرمان باشد، بخصوص امروز، وظیفه مرزبندی صحیح و صریح با جبهه دشمن است؛ مرزبندی. آیه شریفه می‌فرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءٌ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ». قرآن فقط تاریخ نگفته، تصریح می‌کند که این اسوه حسنه‌ای است برای شما - «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ» - یعنی باید این جوری باشید، مرزبندی باید بکنید» (خامنه‌ای، بیانات در جمع مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵).

در جنگ صفین، پس از نیرنگی که لشکر معاویه به کار برد و در نتیجه آن لشکر امیرالمومنین علی علیه السلام دچار تردید در تشخیص خودی از غیر خودی شد، از امام علی علیه السلام خواستند که به حکمیت تن دهد. ایشان علی‌رغم مخالفت، مجبور به پذیرش خواسته اصحابش شدند. در این موقع، مومن باید امام را به عنوان امام مفترض الطاعة بداند و دشمن را به عنوان دشمنی که صلح کردن با او و رضایت دادن به تعامل با او، مخالفت با خواسته امام را محقق می‌کند بداند. اما عدم صف‌بندی میان دوست و دشمن باعث شد که حتی در تعیین شخصی که حکمیت را انجام دهد نیز به امر امام علی علیه السلام توجه نکنند. امام علی علیه السلام عبدالله بن عباس را به عنوان حکم معرفی کردند و بیان نمودند که او دچار فریب نمی‌شود، اما اصحاب ایشان که از بصیرت شناخت دشمن بی‌بهره بودند، ابوموسی اشعری را معرفی کردند. ابوموسی اشعری نیز به جای اینکه حق را بشناسد و امام علی علیه السلام را به عنوان ملاک حق بداند، در جریان حکمیت از پذیرش حکم قرآن

سرباز زد و لشکر امام علی (علیه السلام) را دچار فریب و شکست بزرگی کرد.

«فَأَجْمَعَ رَأْيِي مَلَيْكَتُمْ عَلَيَّ أَنْ يَخْتَارُوا رَجُلَيْنِ فَأَخَذْنَا عَلَيْهِمَا أَنْ يُجْعِلَا عِنْدَ الْقُرْآنِ وَلَا يُجَاوِزَاهُ وَ تَكُونُ أَلْسِنَتُهُمَا مَعَهُ وَ قُلُوبُهُمَا تَبِعَهُ فَتَاهَا عَنْهُ وَ تَرَكَ الْحَقَّ وَ هُمَا يُبْصِرَانِهِ وَ كَانَ الْجُورُ هَوَاهُمَا وَ الْأَعْوَجَاجُ دَابَّهُمَا رَأْيَهُمَا» (سید رضی، ۱۳۶۲: ۱۸۵).

۵. ساده‌زیستی و قناعت

ایشان بر لزوم ساده‌زیستی و قناعت برای مسئولین به عنوان الگوهای سازنده جامعه تأکید دارند و می‌فرمایند: «وقتی من و شما زندگی‌مان را زندگی رفاه‌طلبانه و اشرافی قرار بدهیم، مردم از ما یاد می‌گیرند. برای مردم هر چه می‌توانید، رفاه ایجاد کنید؛ درآمد ملی را زیاد کنید؛ در کشور ثروت تولید کنید؛ اما خودتان نه» (خامنه‌ای، ۱۶/۵/۱۳۹۰، بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران).

امام علی (علیه السلام) هنگامی که گزارشی از والی ایشان در بصره، عثمان بن حنیف دریافت کردند که وی به مهمانی‌ای حضور پیدا کرده که در آن انواع غذاها سرو می‌شده و فقرا از این مجلس رانده شده‌اند، ضمن یک نامه وی را توبیخ کردند و در آن اشاره نمودند که هر مومومی به امامی اقتدا می‌کند و والی جامعه اسلامی باید به امام علی (علیه السلام) اقتدا نماید. سپس بیان می‌دارند که ایشان خودشان در پوشاک به دو جامه و در خوراک به دو قرص نان اکتفا می‌کنند و البته در ادامه بیان می‌کنند که شما نمی‌توانید مانند من باشید اما لازم است که با گناه نکردن به حاکم جامعه اسلامی کمک کنید (سید رضی، ۱۳۶۲: ۴۱۶). این نامه نشان می‌دهد که هم امام علی (علیه السلام) به عنوان یک الگوی عملی خود را در ساده‌زیستی به گونه‌ای معرفی می‌نمایند که الگوی دیگران قرار گیرد و هم عثمان بن حنیف را به دلیل اینکه الگوی مردم است، توبیخ می‌کنند تا از این پس در ساده‌زیستی و عدم رغبت به دنیا همانند خود امام علی (علیه السلام) عمل کند.

در جای دیگر، امام علی (علیه السلام) در معرفی الگوی دیگری همچون خباب بن ارت، او را در زهد و ساده‌زیستی و بی‌رغبتی به دنیا این‌گونه معرفی می‌نمایند که او به آنچه در زندگی کفاف زندگی‌اش را می‌داد قناعت می‌کرد و به دنبال زیاده‌خواهی در لذت‌های دنیوی نبود (سید رضی، ۱۳۶۲: ۴۷۶).

۶. شجاعت و مقاومت

یکی از برجسته‌ترین خصوصیات الگوی مثبت و سازنده شجاعت و مقاومت است. مقام معظم رهبری در مورد شهید سلیمانی می‌فرماید: «دارای شجاعت و روحیه مقاومت بود؛ شجاعت و مقاومت



جزو خصلت‌های ایرانی است» (خامنه‌ای، بیانات مقام معظم رهبری در ۱۳۹۹/۹/۲۶).

امام علی (علیه السلام) در مورد خودشان هنگامی که صفات خود را به عنوان الگویی برای مردم معرفی می‌کنند، از نظر شجاعت چنین توصیف می‌کنند که اگر همه عرب‌ها برای کشتن او همدست شوند، هرگز پشت به آنان نخواهد کرد و اگر فرصتی بدست آید، نه تنها از آنان فرار نمی‌کند بلکه به سوی آنان خواهد شتافت و آنان را نابود خواهد کرد (سید رضی، ۱۳۶۲: ۴۱۸). در جای دیگر، درباره اینکه سکوت حضرت در مورد حکومتی که از او دریغ شده، دلیل بر ترس او دانسته شده است، می‌فرماید که: «من نسبت به مرگ از کودک به سینه مادر مشتاق‌ترم» (سید رضی، ۱۳۶۲: ۵۲). چنان‌که مشاهده می‌شود، امام علی (علیه السلام) در جای‌جای سخنان خود از خودشان به عنوان الگویی نام می‌برند که تصور ترس در مورد این الگو خطاست و شجاعت و نترسیدن از مرگ، بزرگترین شاخصه شجاعت این الگوست.

و. خصوصیات الگوهای منفی

در این بخش، به بررسی مهم‌ترین خصوصیات الگوهای منفی در روش تربیتی الگویی از دیدگاه‌های قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته می‌شود. شناخت این خصوصیات منفی به منظور الگودایی و ترک این صفات ناپسند برای متریان ضروری است.

۱. استکبار و خودبرتربینی

آیت‌الله خامنه‌ای در تعریف استکبار و مذمت آن می‌فرماید: «استکبار یک واژه قرآنی است که در قرآن در مورد کسانی مانند فرعون و گروه‌های بدخواه و معارض حق و حقیقت به کار رفته است. خودبرتربینی نظام استکباری موجب می‌شود که این افراد ادعای تولیت امور ملت‌ها را داشته باشند و خودشان را رئیس مجموعه عالم بدانند» (خامنه‌ای، سخنان در جمع بسیجیان ۱۳۹۲/۸/۲۹).

امام علی (علیه السلام) درباره یکی از بدترین الگوهای زندگی، یعنی شیطان، می‌فرماید که خداوند او را به دلیل تکبر و خودبرتربینی از باغ الهی راند، هرچند شیطان شش هزار سال عبادت خداوند کرده بود که مدت آن مشخص نیست (آیا سال‌های دنیایی است یا آخرتی). امام علی (علیه السلام) تأکید می‌کنند که خداوند انسانی که متکبر و خودبرتربین باشد را به بهشت وارد نخواهد کرد، چگونه ممکن است شیطان را که به دلیل عبادت زیاد به مقام ملک رسیده بود، به دلیل همین گناه بزرگ از بهشت بیرون راند (سید رضی، ۱۳۶۲: ۲۸۷). بدین ترتیب، امام علی (علیه السلام) با ذکر صفت ناپسند شیطان، انسان‌ها را از داشتن صفتی مانند تکبر و خودبرتربینی برحذر می‌دارند.





۲. دروغ‌گویی و حيله‌گری

یکی دیگر از خصوصیات الگوهای منفی، دروغ‌گویی و حيله‌گری است که در سخنان رهبر انقلاب به‌طور واضحی مشاهده می‌شود. به‌عنوان نمونه، درباره آمریکا می‌فرمایند: «با تصویرسازی غلط سعی می‌کنند افکار ملت ایران را منحرف کنند؛ هم تصویر غلط درباره ایران، هم تصویر غلط درباره خودشان و هم تصویر غلط درباره اوضاع منطقه. یکی از تصویرهای غلط آنها این است که وانمود می‌کنند در موضع قدرت هستند، در حالی که در موضع قدرت نیستند» (خامنه‌ای، در جمع بسیجیان، ۱۳۹۷/۷/۱۲).

این روش در زمان امام علی (علیه السلام) نیز توسط معاویه، که به‌عنوان الگوی حيله‌گری و نیرنگ‌بازی معرفی شده و از او الگوزدایی شده است، به‌کار رفته است (محمدی اشتهاردی، ۱۳۸۱: ۳۰۶/۴ و ۳۰۷). امام علی (علیه السلام) همچنین عمرو بن عاص را به‌عنوان الگویی منفی که دارای صفات ناپسند است معرفی می‌کنند. اولین صفتی که از او ذکر می‌کنند، دروغ‌گویی است (سید رضی، ۱۳۶۲: ۱۱۵). عمرو بن عاص در مورد امام علی (علیه السلام) به مردم شام دروغ می‌گفت و او را مردی شوخ‌طبع و بازی‌گوش معرفی می‌کرد. امام علی (علیه السلام) به شدت با این گفتار مخالفت کرده و بیان می‌کنند که یاد مرگ مرا از سرگرمی و بازی باز می‌دارد، اما عمرو بن عاص به دروغ برای فریب مردم، به امام علی (علیه السلام) دروغ می‌بندد. از دیگر صفات او این است که در زمان جنگ تا زمانی که جنگ آغاز نشده است، بسیار چرب‌زبان است و هنگامی که جنگ شعله‌ور می‌شود، به فریب و حيله روی می‌آورد به‌جای اینکه شجاعانه مبارزه کند (سید رضی، ۱۳۶۲: ۱۱۵).

۳. نفاق و کفر

یکی دیگر از ویژگی‌های الگوهای منفی نفاق و کفر است. در این زمینه، رهبر انقلاب می‌فرمایند: «منافقان، وقتی خطایی انجام می‌دهند، برای توجیه آن خطا و برای پوشاندن آن گناه، گناه دیگری انجام می‌دهند. نرفتن به جهاد و نپذیرفتن مسئولیت، گناهی عظیم بود که جبران آن به‌این است که بعد از این، پذیرای مسئولیت باشند و اگر وقایع مشابهی پیش آمد، با آمادگی کامل به طرف آن بروند و اطاعت خدا و رسول کنند؛ اما این افراد بی‌ایمان برای هموار کردن این گودال، مرتکب قسم دروغ می‌شوند و با این گناه بر نفاق خویش می‌افزایند و خود را از خدا دورتر می‌کنند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۰۳/۱۹، تفسیر سوره براءت، رمضان).

امام علی علیه السلام نیز در مواجهه با منافق گاهی با صراحت و صلابت موضع می‌گرفتند و نفاق او را که می‌توانست الگوی نامناسبی برای جامعه اسلامی باشد، برملا می‌کردند. به‌عنوان مثال، در هنگام سخنرانی امام علی علیه السلام درباره جنگ صفین، اشعث بن قیس سخنی در انتقاد به امام علی علیه السلام بیان کرد و چون سخنی غلط و برگرفته از باطن منافقانه او بود، حضرت او را چنین خطاب کردند: «چه ترا دلنا گردانید که چه بر ضرر و چه بر نفع من است؟ لعنت خدا و لعنت لعنت‌کنندگان بر تو باد، ای جولای پسر جولای و ای منافق پسر کافر» (سید رضی، ۱۳۶۲: ۶۱).

۴. پیمان‌شکنی

مقام معظم رهبری یکی از خصوصیات الگوهای منفی را بدعهدی و پیمان‌شکنی می‌داند و به صراحت به مردم و مسئولین در راستای تربیت دینی هشدار می‌دهند: «به دشمن اعتماد نکنید؛ این توصیه قطعی من است. برای رفع مشکلات مردم و درست شدن آینده کشور به وعده این و آن اعتماد نکنید. این وعده‌ها وعده خوبان نیست؛ وعده بدانند و اشرار است اما از هر صد تا، یکی وفا نکند! دشمنی‌ها را از یاد نبرید. دشمنی کردند. دیدید که آمریکای ترامپ و آمریکای اواما با شما چه کردند. این فقط مال ترامپ نیست که حالا فرض کنید چون ترامپ رفت، بگویید تمام شد؛ نه، آمریکای اواما هم با شما بدی کرد و سه کشور اروپایی هم همین‌طور. این سه کشور اروپایی نهایت بدعملی را انجام دادند و دورویی و نفاق را در مقابل ملت ایران نشان دادند» (خامنه‌ای، سخنان در جمع دست‌اندرکاران سالگرد شهید سلیمانی ۱۳۹۹/۰۹/۲۶).

در زمان امام علی علیه السلام، زبیر پس از بیعت با حضرت، پیمان خود را شکسته و به جنگ با امام علی علیه السلام برخاست. حضرت به او گفتند که تو بیعت کرده‌ای، اما او پاسخ داد که در ظاهر بیعت کرده‌ام و در واقع توریه کرده‌ام و در قلب خود با شما بیعت نکرده‌ام. اما امام علی علیه السلام به مردم فرمودند: «زبیر گمان می‌کند با دست بیعت کرده و در دل مخالف بوده است. او به بیعت خود مقرر است و ادعا دارد که در باطن خلاف آن را پنهان کرده است؛ بنابراین باید حجت و دلیل بیاورد تا راست‌گویی او معلوم شود و اگر دلیلی نداشت، بیعت او باید به حال خود باقی بماند و باید مطیع و فرمانبردار باشد» (سید رضی، ۱۳۶۲: ۵۴).

در این سخن امام علی علیه السلام با معرفی زبیر به‌عنوان الگویی نامناسب به عهدشکنی او اشاره می‌کنند و بهانه‌جویی زبیر را بی‌دلیل و غیرموجه بیان کرده و بدین طریق همگان را آگاه کرده و به راه درست هدایت می‌نمایند.



۵. بدعت‌گذاری

بدعت‌گذاری از خصوصیات دیگری است که رهبر انقلاب در مورد الگوهای منفی به آن توجه داشته‌اند و حتی مبارزه با آن را از کارهای مهم امامان معصوم برشمرده‌اند. در پیامی که به کنگره شیخ مفید صادر کرده‌اند، می‌نویسند:

«در دوران حضور امامان معصوم، هرگاه چنین چیزی پیش می‌آمد یا خطر آن مطرح می‌شد، شخص امام محور و مرکز مطمئنی بود که همه چیز با آن مقایسه و اندازه‌گیری و درباره آن قضاوت می‌شد. تا امام در میان مردم بود، اشتباهات دیر نمی‌پایید و آن پیشوای معصوم خطاهای عمده را در مقطع حساس تبیین می‌کرد. شیعه مطمئن بود که اگر در خط کلی مکتب زاویه‌ای انحرافی پدید آید، بالاخره حجت آشکار خواهد شد و آن‌که در پی کشف حقیقت است، آن را خواهد یافت. در تاریخ دوران زندگی ائمه، به نام اشخاصی بر می‌خوریم که به‌خاطر احداث بدعت یا تأسیس راه غلطی و ترویج عقیده باطلی، صریحاً از سوی ائمه مورد طعن و رد قرار گرفته‌اند، مانند محمد بن مفلح معروف به ابی‌الخطاب، یا ابی‌العزافر معروف به شلمغانی» (خامنه‌ای، پیام به کنگره جهانی هزاره شیخ مفید ۱۳۷۲/۱/۲۸).

امام علی علیه السلام شخص بدعت‌گذار را مبعوض‌ترین افراد نزد خداوند معرفی می‌کنند. شخص بدعت‌گذار کسی است که خداوند او را به خودش واگذار کرده و او از مسیر دین و صراط مستقیم و بندگی خداوند خارج شده است و عاشق بدعت‌گذاری در دین است و نهایت خواهسته‌اش دعوت مردم به گمراهی و ضلالت است (سید رضی، ۱۳۶۲: ۵۹). چنین کسی نباید الگوی مؤمنان قرار گیرد و داشتن چنین صفتی نشانه و شاخص گمراهی اوست و مؤمنان باید از او و بدعت‌هایش اجتناب کنند.

نتیجه‌گیری

تربیت الگویی یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تربیت اسلامی است. مقام معظم رهبری به اهمیت این روش و تربیت اسوه‌محور تأکید کرده‌اند. انواع تربیت الگویی شامل موارد زیر است:

- الگودهی: که به ارثه الگوهای حقیقی و مثبت می‌پردازد. در این روش از شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم استفاده می‌شود.

- الگوپردازی: که در سخنان رهبری به آن اشاره شده است.

- الگوزدایی: که این نوع نیز شامل دو روش مستقیم و غیرمستقیم است.

در کلام مقام معظم رهبری، به الگوهای شاخص تربیت الگویی نیز اشاره شده است، از جمله پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، و همچنین الگوهای غیرمعصوم مانند علما، مؤمنین و مجاهدین. الگوهای مثبت و سازنده ویژگی‌هایی دارند از جمله: ایمان و آگاهی، بصیرت و یقین، تطابق گفتار و رفتار، مرزبندی با دشمن، ساده‌زیستی و قناعت، شجاعت و مقاومت. از طرف دیگر، الگوهای منفی شامل ویژگی‌هایی مانند استکبار و خودبرتربینی، دروغ‌گویی و حیله‌گری، نفاق و کفر، پیمان‌شکنی و بدعت‌گذاری هستند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن میثم، بحرانی، شرح نهج البلاغه ابن میثم، نشر الكتاب، ۱۳۶۲ق.
۳. ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، الامالی، قم: انتشارات دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
۴. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام هارون، دارالجلیل، بیروت: ۱۴۲۰ق.
۵. اسحاقی، سیدحسین، سلوک علوی راهبردهای امام علی (علیه السلام) در تربیت فرزندان، تهران: بوستان کتاب، ۱۳۸۵ش.
۶. اشتهدادی، محمد محمدی، آیات و گفتار پیامبر در نهج البلاغه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱ش.
۷. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۷ش.
۸. انصاریان حسین، ترجمه نهج البلاغه، تهران: انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۹ش.
۹. باقری خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۹۰ش.
۱۰. بهشتی، احمد، اندیشه‌های سیاسی - تربیتی علوی در نامه‌های نهج البلاغه، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸ش.
۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ش.
۱۲. جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات همایش مالک اشتر، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (علیه السلام)، ۱۳۸۷ش.
۱۳. خامنه‌ای، سید علی، ۱۴۰۱/۱۰/۰۵، بیانات در دیدار خانواده آیت‌الله مصباح یزدی، (khamenei.ir)، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸.
۱۴. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۷۷/۰۲/۰۹، بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، (khamenei.ir)، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸.
۱۵. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸۷/۰۲/۱۲، بیانات در دیدار معلمان استان فارس، (khamenei.ir)، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸.
۱۶. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۰/۰۲/۱۴، بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور، (khamenei.ir)، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸.
۱۷. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸۳/۰۵/۱۷، بیانات در دیدار جمعی از مداحان، (khamenei.ir)، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸.



۱۸. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۷/۰۳/۱۹، تفسیر برائت (۲۴) | منافقان گناه نرفتن به جهاد را با گناه دیگری توجیه می‌کنند، (khamenei.ir)، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸.
۱۹. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۷/۰۹/۲۱، بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا، (khamenei.ir)، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸.
۲۰. خامنه‌ای، سید علی، ۱۴۰۱/۰۷/۲۲، بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، (khamenei.ir)، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸.
۲۱. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۸/۰۲/۲۴، بیانات در دیدار مسئولان نظام، (khamenei.ir)، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸.
۲۲. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۸/۰۹/۲۴، پاسخ رهبر انقلاب به نامه یک دختر نوجوان درباره ورود به عرصه تکلیف الهی، (khamenei.ir)، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸.
۲۳. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۷۴/۰۲/۲۶، مصاحبه در پایان بازدید از نمایشگاه کتاب، (khamenei.ir)، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸.
۲۴. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار اعضای مجلس خیرگان رهبری، (khamenei.ir)، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸.
۲۵. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، (khamenei.ir)، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸.
۲۶. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، (khamenei.ir)، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸.
۲۷. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران، (khamenei.ir)، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸.
۲۸. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در همایش ده‌ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی، (khamenei.ir)، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸.
۲۹. خامنه‌ای، سید علی، پیام به کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، (khamenei.ir)، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸.
۳۰. الخمنی رحمته الله علیه، روح‌الله، شرح دعا السحر، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمنی، ۱۴۱۶ق.
۳۱. خوانساری جمال‌الدین محمد، شرح غررالحکم و دررالکلم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران: ۱۳۶۶ش.

۳۲. داوری، محمد و حسین زاده، سیدعلی، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ، قم: سبحان، ۱۳۸۹ش.
۳۳. دشتی، محمد، امام علی ﷺ و مباحث تربیتی، قم: انتشارات امیرالمؤمنین ﷺ، ۱۳۹۰ش.
۳۴. دلشاد تهرانی، مصطفی، مسیری در تربیت اسلامی، تهران: انتشارات دریا، چاپ دهم، ۱۳۸۷ش.
۳۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه ی دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران: ۱۳۵۲ش.
۳۶. راغب اصفهانی، ابوالقاسم، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق و ضبط: محمد سید گیلانی، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
۳۷. راغب اصفهانی، ابوالقاسم، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه و تحقیق: دکتر خسروی حسینی، تهران: مرتضوی، بی تا.
۳۸. رشیدپور، مجید، آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی (با تأکید بر روش ها)، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۹ش.
۳۹. رفیعی، بهروز، آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، قم: انتشارات سمت، ۱۳۸۱ش.
۴۰. زهدت، عبدالمجید، تعلیم و تربیت در نهج البلاغه، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸ش.
۴۱. سید احمد احمدی، اصول و روش های تربیت در اسلام، اصفهان، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۴ش.
۴۲. سید رضی، نهج البلاغه، تصحیح و تعلیق صبحی صالح، قم: مؤسسه دارالهجرة، ۱۳۶۲ش.
۴۳. شرفی، غلامرضا، تربیت اسلامی با تأکید بر دیدگاه های امام خمینی ﷺ، تهران: انتشارات پنجره، ۱۳۷۹ش.
۴۴. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، صححه و علق علیه علی اکبر الغفاری، الطبقة الثانية، قم: منشورات جماعة المدرسين، ۱۴۰۴ق.
۴۵. عباسی مقدم، مصطفی، اسوه های قرآنی و نقش تبلیغی آنان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ش.
۴۶. عباسی مقدم، مصطفی، نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱ش.
۴۷. قائمی، علی، تربیت و بازسازی کودکان، تهران: انتشارات امیری، ۱۳۷۴ش.



۴۸. قائمی مقدم، محمدرضا، روش الگویی در تربیت اسلامی، مجله معرفت، قم: مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، شماره ۶۹، شهریور ۱۳۸۲ ش.
۴۹. کریمی، عبدالعظیم، تربیت چه چیز نیست، تهران: انتشارات تربیت، ۱۳۷۶ ش.
۵۰. کریمیان، علی، اسوه حسنه، قم: انتشارات نمونه، ۱۳۸۰ ش.
۵۱. لودین شهین، کاربرد دریچه‌های پنهان تربیت، مشهد: انتشارات واسع، ۱۳۸۲ ش.
۵۲. محمد علی حاجی‌ده‌آبادی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۵۳. مصباح یزدی، محمدتقی، بهترین‌ها و بدترین‌ها از دیدگاه نهج‌البلاغه، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹ ش.
۵۴. مصباح یزدی، محمدتقی، پند جاوید، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، ۱۳۷۹ ش.
۵۵. مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه علی علیه السلام، تهران: حسینیه ارشاد، ۱۳۴۹ ش.
۵۶. واثقی، ق. امام الگوی امت است، تهران: کتاب فروشی امیری، ۱۳۶۰ ش.
۵۷. واسعی، سید علیرضا و دیانی، محمدشمس‌الدین، درآمدی بر روش‌های تبلیغی ائمه علیهم‌السلام، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
۵۸. یکتا، محسن شکوهی، تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روش‌ها)، تهران: انتشارات ایران، ۱۳۶۹ ش.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Bibliography

1. 'Abbāsī Muqaddam, Muṣṭafā, *Naqsh-i Uswah-hā dar Tablīgh wa Tarbiyat (The Role of Exemplars in Preaching and Education)*, Tehran: Sāzmān Tablīghāt Islāmī, 1371 SH (1992 CE).
2. 'Abbāsī Muqaddam, Muṣṭafā, *Uswah-hā-yi Qurānī wa Naqsh-i Tablīghī Ānān (Quranic Exemplars and Their Role in Preaching)*, Qom: Daftar Tablīghāt Islāmī, 1379 SH (2000 CE).
3. A Group of Authors, *Majmū'ah Maqālāt Hamāyish Mālik Ashtar (Collection of Papers from the Malik Ashtar Conference)*, Qom: Intishārāt Mu'assasah Āmūzishī wa Pizhūhishī Imām Khomeinī (RA) (Imam Khomeini's Educational and Research Institute Press), 1387 SH (2008 CE).
4. Abū Ja'far Moḥammad bin Ḥassan Ṭūsī, *Al-Amālī (The Dictations)*, Qom: Intishārāt Dār al-Thaqāfah, 1414 AH (1993 CE).
5. Aḥmad bin Fāris, *Mu'jam Maqāyīs al-Lughah (The Dictionary of Linguistic Measures)*, Edited by 'Abd al-Salām Hārūn, Dār al-Jil, Beirut: 1420 AH (1999 CE).
6. Amīnī, Ibrāhīm, *Islām wa Ta'līm wa Tarbiyat (Islam and Education)*, Tehran: Anjuman-e Awliā' wa Murabbīyān, 1387 SH (2008 CE).
7. Anṣārīān, Ḥossein, *Tarjumah Nahj al-Balāghah (Translation of Nahj al-Balāghah)*, Tehran: Intishārāt Payām-e Āzādī, 1379 SH (2000 CE).
8. Bāqirī Khosrow, *Nigāh-i Dūbarah bih Tarbiyat Islāmī (A Fresh Look at Islamic Education)*, Tehran: Intishārāt Madrisah, 1390 SH (2011 CE).
9. Beheshtī, Aḥmad, *Andīshah-hā-yi Sīyāsī wa Tarbiyatī 'Alawī dar Nāma-hā-yi Nahj al-Balāghah (The Political and Educational Thoughts of Imam Ali in the Letters of Nahj al-Balāghah)*, Qom: Bustān-e Kitāb, 1388 SH (2009 CE).
10. Dashtī, Moḥammad, *Imām 'Alī (AS) wa Mabāḥith Tarbiyatī (Imam Ali and Educational Discussions)*, Qom: Intishārāt Amīr al-Mu'minīn (AS), 1390 SH (2011 CE).
11. Dāvarī, Moḥammad & Ḥosseinzādah, Seyyed 'Alī, *Sīrah Tarbiyatī Payāambar wa Ahl al-Bayt (AS) (The Educational Approach of the Prophet and the Ahl al-Bayt)*, Qom: Subḥān, 1389 SH (2010 CE).



12. Dehkhudā, 'Alī Akbar, *Lughatnāmah-yi Dehkhudā (Dehkhudā's Dictionary)*, Tehran: *Intishārāt Dānishgāh Tehran*, 1352 SH (1973 CE).
13. Dilshād Tehrānī, Muṣṭafā, *Masīrī dar Tarbiyat Islāmī (A Path in Islamic Education)*, Tehran: *Intishārāt Daryā*, 10th Edition, 1387 SH (2008 CE).
14. Ibn Maytham al-Baḥrānī, *Sharḥ Nahj al-Balāghah Ibn Maytham (Commentary on Nahj al-Balāghah by Ibn Maytham)*, Tehran: *Nashr al-Kitāb*, 1362 AH (1943 CE).
15. Ishāqī, Seyyed Ḥossein, *Sulūk 'Alawī: Rāhburdhā-yi Imām 'Alī (AS) dar Tarbiyat Farzandān (The 'Alawī Path: Strategies of Imam Ali in Raising Children)*, Tehran: *Bustān-e Kitāb*, 1385 SH (2006 CE).
16. Ishtehārdī, Moḥammad Moḥammadī, *Āyāt wa Guftār Payāambar dar Nahj al-Balāghah (The Verses and Sayings of the Prophet in Nahj al-Balāghah)*, Qom: *Daftar Intishārāt Islāmī*, 1381 SH (2002 CE).
17. Karīmī, 'Abd al-'Azīm, *Tarbiyat Chīz Nīst (What Education Is Not)*, Tehran: *Intishārāt Tarbiyat*, 1376 SH (1997 CE).
18. Karīmīyān, 'Alī, *Uswah Ḥassanah (The Good Role Model)*, Qom: *Intishārāt Numūnah*, 1380 SH (2001 CE).
19. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Didar A'zā'-i Majlis-i Khubran-i Rahbari (Statements in the Meeting with Members of the Assembly of Experts)*, (khamenei.ir), Access Date: 28/05/1402 (SH 19 August 2023 CE).
20. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Didar Bā Imāmī Jum'ah Sarāsar Keshvar (Statements in the Meeting with Friday Prayer Leaders from Across the Country)*, (khamenei.ir), Access Date: 28/05/1402 SH (19 August 2023 CE).
21. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Didar Bā Mas'ūlān-i Nezām (Statements in the Meeting with System Officials)*, 24/02/1398 (13 May 2019), (khamenei.ir), Access Date: 28/05/1402 SH (19 August 2023 CE).
22. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Didar Bā Mas'ūlān-i Nezām va Mihmānān-i Konferāns-i Wahdat-i Islāmī (Statements in the Meeting with System Officials and Guests of the Islamic Unity Conference)*, 22/07/1401 (13 October 2022), (khamenei.ir), Access Date: 28/05/1402 SH (19 August 2023 CE).

23. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Didar Jum'ī az Kargaran va Moallemān (Statements in the Meeting with Workers and Teachers)*, 09/02/1377 (30 April 1998), (khamenei.ir), Access Date: 28/05/1402 SH (19 August 2023 CE).
24. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Didar Jum'ī az Khanevadehā-ye Shahadā (Statements in the Meeting with Families of Martyrs)*, 21/09/1397 (12 December 2018), (khamenei.ir), Access Date: 28/05/1402 SH (19 August 2023 CE).
25. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Didar Jum'ī az Madahan (Statements in the Meeting with Eulogists)*, 17/05/1383 (7 August 2004), (khamenei.ir), Access Date: 28/05/1402 (19 August 2023 CE).
26. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Didar Jum'ī az Moallemān az Sarāsar Keshvar (Statements in the Meeting with Teachers from Across the Country)*, 14/02/1390 (5 May 2011), (khamenei.ir), Access Date: 28/05/1402 SH (19 August 2023 CE).
27. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Didar Khanevadeh-ye Ayatollah Misbah Yazdi (Statements in the Meeting with the Family of Ayatollah Misbah Yazdi)*, 05/10/1401 (26 December 2022), (khamenei.ir), Access Date: 28/05/1402 (19 August 2023 CE).
28. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Didar Mas'ūlān-i Nezām-i Jumhūrī-yi Islāmī-yi Irān (Statements in the Meeting with Officials of the Islamic Republic of Iran)*, (khamenei.ir), Access Date: 28/05/1402 SH (19 August 2023 CE).
29. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Didar Moallemān-e Ostān-e Fars (Statements in the Meeting with Teachers of Fars Province)*, 12/02/1387 (2 May 2008), (khamenei.ir), Access Date: 28/05/1402 SH (19 August 2023 CE).
30. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Didar Panjah Hazār Farmānde Bāsij Sarāsar Keshvar (Statements in the Meeting with Fifty Thousand Basij Commanders from Across the Country)*, (khamenei.ir), Access Date: 28/05/1402 SH (19 August 2023 CE).
31. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Hamāyish Dah-hā Hazarī "Khadamat-i Bāsijiyān" dar Varzeshgāh Āzādī (Statements at the Mass Gathering "Service of Basijis" in Azadi Stadium)*, (khamenei.ir), Access Date: 28/05/1402 SH (19 August 2023 CE).



32. Khamenei, Seyyed Ali, *Mosāhebeh dar Pāyān-i Bāzīdārī az Nāmāyeshgāh Kitāb (Interview at the End of the Book Fair Visit)*, 26/02/1374 (17 May 1995), (khamenei.ir), Access Date: 28/05/1402 SH (19 August 2023 CE).
33. Khamenei, Seyyed Ali, *Pāsukh-i Rahbar Be Nāmāh-yi Yik Dukhtar Nojavān Darbārah-yi Wurūd Be 'Ārs-i Taklīf-i Ilāhī (Response of the Leader to a Letter from a Young Girl Regarding Entering the Realm of Divine Obligation)*, 24/09/1398 (15 December 2019), (khamenei.ir), Access Date: 28/05/1402 SH (19 August 2023 CE).
34. Khamenei, Seyyed Ali, *Payām Be Kongreh-yi Jahānī-yi Hezārah-yi Shaykh Muḥīd (Message to the International Congress of the Millennium of Sheikh Muḥīd)*, (khamenei.ir), Access Date: 28/05/1402 SH (19 August 2023 CE).
35. Khamenei, Seyyed Ali, *Tafsir-i Surat al-Barā'ah (24) | Munāfiqān Gūnah-i Nā Raftan Be Jihād rā Bā Gūnah-i Dīgar Tūjīh Mī-Kunand (Interpretation of Surah Al-Bara'ah (24) | Hypocrites Justify Their Failure to Join Jihad with Another Sin)*, 19/03/1397 (10 June 2018), (khamenei.ir), Access Date: 28/05/1402 SH (19 August 2023 CE).
36. Khomeinī (RA), Rūḥullāh, *Sharḥ Du'ā al-Saḥar (Commentary on the Dawn Supplication)*, Qom: Mu'assasah Tanzīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khomeinī, 1416 AH (1995 CE).
37. Khuwānsārī, Jamāl al-Dīn Moḥammad, *Sharḥ Ghurar al-Ḥikam wa Darar al-Kalim (Commentary on The Exalted Aphorisms And Pearls Of Speech)*, Tehran: Intishārāt Dānishgāh Tehran, 1366 SH (1987 CE).
38. Lūdīn Shahīn, *Kārburd Darīcheh-hā-yi Pinhān Tarbiyat (The Application of Hidden Windows of Education)*, Mashhad: Intishārāt Wāsi', 1382 SH (2003 CE).
39. Mišbāḥ Yazdī, Moḥammad Taqī, *Bihhtarīn-hā wa Badtarīn-hā az Dīd-gāh Nahj al-Balāghah (The Best and the Worst According to Nahj al-Balāghah)*, Qom: Intishārāt Mu'assasah Āmūzishī wa Pizhūhishī Imām Khomeinī (RA), 1389 SH (2010 CE).

40. Miṣbāḥ Yazdī, Moḥammad Taqī, *Pand-i Jāvīd (Eternal Advice)*, Intishārāt Mu'assasah Āmūzishī wa Pizhūhishī Imām Khomeinī (RA) (Imam Khomeini's Educational and Research Institute Press), Qom, 1379 SH (2000 CE).
41. Moḥammad 'Alī Ḥājī Dahābādī, *Darāmedi bar Niẓām Tarbiyat Islām (An Introduction to the Islamic Educational System)*, Qom: Markaz Jahānī 'Ulūm Islāmī, 1378 SH (1999 CE).
42. Moṭahharī, Murtaḏā, *Jāzibah wa Dāf'ah 'Alī (AS) (The Attraction and Repulsion of Imam Ali)*, Tehran: Ḥosseiniyyah Irshād, 1349 SH (1970 CE).
43. Qā'imī Muqaddam, Moḥammad Riḏā, *Rawish-i Ulgū'ī dar Tarbiyat Islāmī (The Model Method in Islamic Education)*, Ma'rifat Journal, Qom: Intishārāt Mu'assasah Āmūzishī wa Pizhūhishī Imām Khomeinī (RA) (Imam Khomeini's Educational and Research Institute Press), Issue 69, Shahrivar 1382 SH (2003 CE).
44. Qā'imī, 'Alī, *Tarbiyat wa Bāzsāzī-yi Kūdakān (The Education and Rehabilitation of Children)*, Tehran: Intishārāt Amīrī, 1374 SH (1995 CE).
45. Rafī'ī, Bahroz, *Ārā'-yi Dānishmandān-i Musalmān dar Ta'līm wa Tarbiyat wa Mabānī-yi Ān (The Opinions of Muslim Scholars on Education and Its Foundations)*, Qom: SAMT Publications, 1381 SH (2002 CE).
46. Rāghib Iṣfahānī, Abū al-Qāsim, *Al-Mufradāt fī Gharīb al-Qurān (The Vocabulary of Uncommon Words in the Quran)*, Edited by Moḥammad Seyyed Gīlānī, Beirut: Dār al-Ma'rifah, n.d.
47. Rāghib Iṣfahānī, Abū al-Qāsim, *Mufradāt al-Fāz Qurān (Vocabulary of Quranic Terms)*, Translation and research by Dr. Khosravi Ḥosseini, Tehran: Murtadhāwī, n.d.
48. Rashīdpur, Majīd, *Āshnā'ī bā Ta'līm wa Tarbiyat Islāmī (bā Ta'kīd bar Rawish-hā) (Introduction to Islamic Education with Emphasis on Methods)*, Tehran: Intishārāt Anjuman-e Awliyā' wa Murabbīyān, 1389 SH (2010 CE).
49. Ṣadūq, Moḥammad bin 'Alī, *Man Lā Yaḥḏuruḥu al-Faqīr (For Those Who Don't Have any Access to a Jurist)*, Edited and Annotated by 'Alī Akbar al-Ghifārī, second Edition, Qom: Manshūrāt Jamā'at al-Mudarrisīn, 1404 AH (1983 CE).



50. Seyyed Aḥmad Aḥmadī, *Uṣūl wa Rawish-hā-yi Tarbiyat dar Islām (Principles and Methods of Education in Islam)*, Isfahan: Jihād-e Dānishgāhī Press, 1364 SH (1985 CE).
51. Seyyed Raḍī, *Nahj al-Balāghah (The Peak of Eloquence)*, Edited and Annotated by Ṣubḥī Ṣāliḥ, Qom: Mu'assasah Dār al-Hijrah, 1362 SH (1983 CE).
52. Sharafī, Ghulāmraḍā, *Tarbiyat Islāmī bā Ta'kīd bar Dīdgāh-hā-yi Imām Khomeinī (RA) (Islamic Education with Emphasis on the Views of Imam Khomeini)*, Tehran: Intishārāt Panjareh, 1379 SH (2000 CE).
53. Tamīmī Āmodī, 'Abd al-Wāḥid bin Moḥammad, *Ghurur al-Ḥikam wa Darar al-Kalim (Exalted Aphorisms And Pearls Of Speech)*, Qom: Daftar Tablīghāt Islāmī, 1366 SH (1987 CE).
54. Wāsi'ī, Seyyed 'Alī Rizā & Dīyānī, Moḥammad Shams al-Dīn, *Darāmadi bar Rawish-hā-yi Tablīghī Imām (AS) (An Introduction to the Preaching Methods of the Imams)*, Qom: Pizhūhishgāh 'Ulūm wa Farhang Islāmī, 1388 SH (2009 CE).
55. Wāsiqī, Q., *Imām Ulgū-yi Ummat Ast (The Imam Is the Model for the Nation)*, Tehran: Kitāb Furūshī Amīrī, 1360 SH (1981 CE).
56. Yaktā, Muḥsin Shakūhī, *Ta'līm wa Tarbiyat Islāmī (Mabānī wa Rawish-hā) (Islamic Education: Principles and Methods)*, Tehran: Intishārāt Irān, 1369 SH (1990 CE).
57. Zahādat, 'Abd al-Majīd, *Ta'līm wa Tarbiyat dar Nahj al-Balāghah (Education in Nahj al-Balāghah)*, Qom: Bustān-e Kitāb, 1388 SH (2009 CE).